

# تزهائی پیرامون اوضاع سیاسی کنونی

چهارشنبه، 22 ژانویه 2020 - 00:48

شورای مرکزی حزب  
چپ ایران (فدائیان  
خلق)

## تزهائی پیرامون اوضاع سیاسی کنونی

اوضاع سیاسی طی چند هفته‌ی گذشته دچار دگرگونی اساسی شده است. ما شاهد رویدادهائی بودیم که در این روند پر شتاب هرکدام تاثیر خود را در فضای متحول جامعه

گذاشته‌اند. از جمله‌ی تحولات تازه، حمله‌ی آمریکا به پایگاه‌های کتائب (گردان‌های) حزب الله، یورش شبه نظامیان حشدالشعبی به سفارت آمریکا در بغداد، ترور سلیمانی، موشک باران دو پایگاه آمریکا و شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراین و کشته شدن ۱۷۶ نفر توسط سپاه پاسداران، در آسمان ایران بود. به همان اندازه که حکومت با سازماندهی عزاداری سه روزه بعد از مرگ قاسم سلیمانی کوشید، مشروعیت از دست رفته‌ی خود را ترمیم کند و تاثیرات خیزش آبان‌ماه ۹۸ را به حاشیه رانده، فضا را تا حدودی موقتا به نفع خود تغییر دهد، حادثه‌ی شلیک موشک به هواپیمای مسافربری توسط سپاه پاسداران، دروغ‌گوئی و کتمان حقیقت توسط حکومت، موجب تغییری اساسی در جامعه و شکل‌گیری اعتراضات وسیعی در سراسر کشور شد. با برآمد اعتراضی دانشجویان در تعدادی از دانشگاه‌های کشور، فضای سیاسی کشور به زیان حکومت تغییر کرد و حکومت در موضع تدافعی قرار گرفت. در این‌جا با توجه به اهمیت تحولات اخیر، به اوضاع سیاسی کنونی به شکل مجموعه‌ای از ترزا پرداخته ایم:

**یک-** جمهوری اسلامی بر بستر عملکرد چهل ساله‌ی خود در اصرار به ادامه‌ی سیاست خصمانه با غرب و نیز در اثر تحریم‌های همه‌جانبه‌ی آمریکا به فلاکت اقتصادی افتاده است. اقتصاد کشور به جهت سیاست‌های اقتصادی حکومت و در اثر تحریم‌ها با بحران عمیق روبرو است. فروش نفت به کمتر از نیم میلیون بشکه در روز رسیده و درآمد ارزی به شدت کاهش یافته است. به همین خاطر دولت با کسری بودجه‌ی شدیدی مواجه است. تلاش‌های تاکنونی برای فروش نفت به نتیجه نرسیده و حکومت برای فشار متقابل به آمریکا جهت کاستن از تحریم‌ها، به اقدامات ایذائی و ایجاد تنش روی آورده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی با دادن امتیاز به روسیه و چین و انجام مانور مشترکی در آب‌های عمان،

خواسته‌است به شکل نمادین هم که شده، فشار به آمریکا را افزایش دهد. انکای محاسباتی جمهوری اسلامی تاکنون به خریدن زمان و استفاده از شکاف بین آمریکا و اروپا و همچنین بهره‌گیری از اختلافات میان آمریکا با روسیه و چین بوده‌است.

**دو-** اعتراضات اخیر مردم در لبنان، عراق و به ویژه در ایران، جمهوری اسلامی را در منطقه و در درون کشور در موضع ضعفی قرار داده‌است. همچنین انعقاد قراردادهایی بین دولت عراق با روسیه و چین موجب نگرانی بیش از پیش دولت ترامپ گشته‌است. هدف ترامپ از عملیات حمله به "کتاب" که به کشتن ۲۵ تن انجامید و ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، نشان دادن قاطعیت در منطقه و زهر چشم گرفتن از جمهوری اسلامی بود تا بتواند اثرات استیضاح‌کننده بر انتخابات آمریکا را که ممکن است پیروزی وی در انتخابات را به مخاطره بیندازد، بزدايد و موقعیت خود را در آستانه‌ی انتخابات بهبود بخشد.

**سه-** جمهوری اسلامی در چند ماه گذشته در عراق زیر فشار سنگینی قرار داشته است. عملیات نظامی آمریکا به داد جمهوری اسلامی در عراق رسید. در نتیجه‌ی این اقدام صفوف مخالفان جمهوری اسلامی در عراق تضعیف و موقعیت طرفدارانش تقویت شد. فضا به سود جمهوری اسلامی آن‌چنان چرخید که مخالفت با دخالتگری‌های حکومت اسلامی در سایه‌ی احساسات ضد آمریکائی، موقتاً فروکش کرد. عملیات ترامپ، به جنبش مدنی و دموکراتیک مردم عراق ضربه زد.

**چهار-** اقدامات نظامی و خصوصاً ترور سلیمانی که از نظر حقوق بین‌الملل آن را باید نقض آشکار حق حاکمیت عراق دانست، هدیه‌ی دیگری بود که ترامپ به جمهوری اسلامی داد تا موقعیت آسیب‌دیده‌ی آن در داخل کشور و نیز در عراق برای مدتی تقویت شود. ترامپ با اقداماتش، حکومت را از زیر فشار خیزش آبان‌ماه، خارج نمود و موقعیت عقب‌مانده‌ترین بخش حکومت و نظامیان و امنیتی‌ها را تقویت نمود. پس از این ترور، احساسات و پیوندهای عاطفی هموندان نظام تحریک شد و فضائی ایجاد گردید که عموم اصلاح‌طلبان هم از این "سردار رشید" تجلیل کردند و با صدور بیانیه‌های مختلف مواضع او را ستودند. به جای تقویت روحیه مبارزه علیه سیاست‌های دخالت‌گرانه‌ی جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، و نقش منفی سلیمانی در اجرای این سیاست‌ها، نقش بازدارندگی او در مبارزه با داعش، بزرگ‌نمایی شد و سیاست‌های دخالت‌گرانه‌ی رژیم در سایه قرار گرفت.

**پنج-** جمهوری اسلامی پس از این ترور موفق به تولید فضای ناسیونالیستی کاذب در کشور شد. به‌گونه‌ای که توانست بخشی از سکولارها را هم همراه خود کند. گرداندن جسد سلیمانی در سه شهر عراق و شهرهای اهواز، قم، مشهد، تهران و کرمان و اعلام سه روز عزای عمومی، بر بستر فرهنگ شهید پروری و روضه‌خوانی، مردم زیادی را برای تشییع جنازه به خیابان کشاند. مجموعه‌ی این اقدامات چنان فضایی ایجاد نمود که عملاً جنایت حاکمان در خیزش آبان‌ماه را موقتاً به حاشیه راند. بر کردن شکاف‌های درون نظام از طریق اتحاد علیه دشمن خارجی، تاکتیک اصلی رژیم در مقابله با بحران است. حکومت با سیاست فاجعه‌بار "عمق استراتژیک" و با کارگزاری "سپاه قدس" در بخشی از منطقه، کشور ما را عملاً در اکثر مناقشات خاورمیانه درگیر نموده و وارد رقابت‌های زبانبار با کشورهای عرب کرده است.

**شش-** استقبال بخش‌هایی از مردم از تشییع جنازه‌ی قاسم سلیمانی، بیانگر یک واقعیت تلخ است که رژیم توانسته طی سال‌های اخیر با تبلیغاتی گسترده بر بستر حس نگرانی عمومی مردم ایران از وضعیت ترازیک منطقه و تصور به خطر افتادن امنیت ملی، نوعی از فضای ناسیونالیسم کاذب را در کشور دامن زده و برنامه‌های ماجراجویانه‌ی خود را پشت آن پنهان کند.

**هفت-** "انتقام" هماهنگ شده‌ی جمهوری اسلامی به خونخواهی قاسم سلیمانی، موشک‌باران دو پایگاه آمریکا در عراق بود. اقدامی که دست آخر هر دو سو از نتیجه‌ی آن راضی بودند. اما جنایت دیگری در حاشیه‌ی این تبادل آتش حساب شده رخ داد که تمام معادلات را به هم ریخت: سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکراین توسط پدافند جمهوری اسلامی. حکومت بعد از سه روز انکار مجبور به اعتراف در مورد

"اشتباه" مرگبار خود شد و به توجیه دروغ خود و کتمان واقعیت پرداخت. رسوایان از سرنگونی هواپیما، کتمان این امر بود، که بدون اطلاع و تصمیم راس حکومت ممکن نبود. همین هم خشم عمومی را برانگیخت و به جنبش مدنی و اعتراضی جان تازه‌ای بخشید. اقدام وسیع هنرمندان کشورمان در اعلام انصراف از مشارکت در جشنواره‌ها، تعطیلی کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها، دعوت به شرکت در مراسم یادبود قربانیان فاجعه‌ی شلیک به هواپیمای مسافربری، گام بزرگ و مهمی در جهت ایجاد همبستگی ملی بود. روند اعتراضات دانشجویی و مردمی با سرعت بیشتری در جامعه شروع شد و رویای جمهوری اسلامی را که فکر می‌کرد با یادبود قاسم سلیمانی می‌تواند اعتراضات مردمی را مدیریت کند، بر باد داد.

**هشت-** اعتراض طیف‌های گوناگون مردم و بارزترین آن‌ها دانشجویان، به جنایتی که صورت گرفته بود و تلاش برای کتمان آن مثل همه‌ی موارد مشابه، بار دیگر صدای بلند آبان‌ماه را طنین دیگری داد. آن چه را که رژیم با فضاسازی کاذب، در صدد پاک کردن از حافظه‌ی مردم بود، بیش از پیش نمایان ساخت. این بار شعارها مستقیم‌تر و بدون ترس، طنین انداز شد. انعکاس گسترده‌ی جهانی فاجعه، محدودیت‌هایی برای دستگاه سرکوب ایجاد نمود که نتوانستند مانند زمان خیزش آبان‌ماه مردم را کشتار کنند. علیرغم آن‌که عده‌ی زیادی از معترضان شناخته شده، دستگیر و روانه شکنجه گاه‌های حکومتی شدند، اعتراضات مردم ایران در مبارزه با حکومت، وارد مرحله‌ی کیفی‌تاً جدیدی شد، که هسته‌ی اصلی آن ریزش هرچه بیشتر اعتماد مردم به حکومت جمهوری اسلامی و در راس آن‌ها ولی فقیه است .

**نه-** سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه‌ی تهران، نمایش بن بست جمهوری اسلامی، چشم بستن بر واقعیت‌های جامعه و بحران‌های دامنگیر کشور بود. او معترضان در بیش از صد شهر را به «چند صد نفر» تقلیل داد، و ملت را در سوگواران سلیمانی خلاصه کرد. از سپاه پاسداران و فرماندهان آن تجلیل کرد، اما از کنار فاجعه‌ی سرنگونی هواپیمای مسافری توسط سپاه، با یک تاسف خشک و خالی گذشت. معترضان و ناراضیان از عملکرد جمهوری اسلامی را محکوم کرد، به دولت‌های اروپایی نیز تاخت. با حمله به کشورهای اروپایی، عملاً راهی جز هم‌سوئی آنان با دولت ترامپ، علیه جمهوری اسلامی باقی نگذاشت. دوباره همه را به شرکت در انتخاباتی دعوت کرد که در آن حتی نزدیک به صد نفر از نمایندگان مجلس فعلی رد صلاحیت شده اند. خامنه‌ای نشان داد که جمهوری اسلامی دارد به پایان راه می‌رسد و راه بازگشتی ندارد. سخنان او از موضع ضعف و بارتاب سوء مدیریت و ناکارآمدی حکومت جمهوری اسلامی در مواجهه با بحران‌های موجود بود.

**ده-** تنش بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا شدت یافته‌است، اما هر دو دولت از اقدام به جنگ اجتناب می‌کنند. در حال حاضر برای دولت ترامپ ایجاد تشنج رسانه‌ای و فضای جنگی است که اهمیت دارد، نه خود جنگ. فضائی که او پس از به قدرت رسیدن به شکل موفق‌ی بر مناسبات آمریکا با دیگر دولت‌ها حاکم کرده است، تا بازار فروش تسلیحات را پر رونق کند. جمهوری اسلامی نیز به این فضای متشنج برای متحد کردن صفوف خود و خاموش کردن اعتراضات مردم همواره نیاز داشته و امروز بیش از پیش نیاز دارد. فروکش بحرانی که بعد از مرگ سلیمانی به اوج خود رسیده بود و نفس‌ها را در بیم وقوع جنگ در سینه‌ها حبس کرده بود، تأییدی است بر این‌که طرفین علیرغم ماجراجویی‌های متقابل، ولی با انگیزه‌های متفاوت فعلاً در پی جنگ نیستند. وقوع جنگ جدید همه‌ی تعهدات دولت ترامپ در میان طرفدارانش، مبنی بر پرهیز از جنگ را بر باد می‌دهد و خامنه‌ای نیز می‌داند در جنگی سهمگین با ضرباتی بس سنگین با پیامدهائی ناروشن ولی شکننده مواجه خواهد شد.

**یازده-** هنوز نشانه‌ای که دوره‌ی تشنج در مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی رو به کاهش بگذارد، دیده نمی‌شود. اگر با رویدادی غیر قابل پیش‌بینی مواجه نشویم که موجب وقوع درگیری نظامی شود، به احتمال زیاد این وضعیت می‌تواند تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ادامه داشته باشد. در عین حال تغییر این شرایط با توجه به نیازهای دو طرف نیز غیرممکن نیست. این امر نیز منتفی نیست که با عقب نشینی‌هایی از سوی دو دولت و ارائه‌ی راه‌حل‌هایی، از طرف نیروهای میانجی اوضاع تا حدی آرام شود. مثلاً سیاست تحریم تغییراتی بکند و امکان خرید محدود نفت از طریق کشورهای دیگر عملی گردد. چنین

تحولاتی می‌تواند جمهوری اسلامی را از خفگی نجات دهد و راه را برای مذاکرات مجدد هموار کند. در عین حال، روندهای متفاوت، از جمله اقدام اروپایی‌ها برای فعال کردن مکانیسم ماشه در برجام، می‌تواند به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل نیز منجر گردد.

**دوازده-** تصویب شتابزده‌ی قانون خروج آمریکا از عراق، ضربه‌ی سیاسی به آمریکا است، ولی جنبه‌ی عملی چندانی ندارد. کردها و سنی‌ها در این تصمیم‌گیری شرکت نکردند و به‌علاوه توافق‌های رسمی مبارزه با داعش در مناطق سنی نشین و به ویژه در کردستان، دست آمریکا را هنوز برای عملیات در عراق باز می‌گذارد. با این حال، تصویب آن بیش از جمهوری اسلامی، موجب خوشحالی روسیه است. این تصمیم، تأثیر بلاواسطه بر تعادل قوا در سوریه دارد. اجرائی کردن این قانون نیازمند بسترسازی‌های لازم است و طبیعتاً می‌بایست شامل دیگر کشورها از جمله جمهوری اسلامی نیز بشود. اجرای این تصمیم با دعوت از سازمان ملل متحد برای پر کردن خلاء ناشی از خروج نیروهای خارجی، بسیار مهم و ضروری است.

**سیزده-** سیاست‌های دولت آمریکا و متحدان آن، خاورمیانه را به آشوب کشانده است و منطقه را به میدان خصومت‌های دائمی و جنگ‌های نیابتی تبدیل کرده و بستر مساعدی را برای رشد نیروهای افراطی نظیر داعش فراهم آورده است. سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه‌ی آمریکا استقرار صلح و ثبات در منطقه را به خطر انداخته است. برون‌رفت از جو تهدید و جنگ، مستلزم گفتگو و مذاکره بین دولت‌های متخاصم، گسست از دایره‌ی خصومت و جنگ، توقف تولید سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و نابودی آن‌ها، دموکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه، سمت‌گیری به سوی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به جای تبدیل شدن به انبار تسلیحات دول بزرگ است.

**چهارده-** ما در عین مخالفت با عملکرد دخالت‌گرانه‌ی دولت آمریکا و برخورد روشن با این قدرت سلطه‌گر، دخالت‌های نظامی و تحریرات جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه را محکوم می‌کنیم. ما خواهان خروج نظامی آمریکا و عقب‌نشینی جمهوری اسلامی از سوریه، عراق و یمن هستیم. سیاست منطقه‌ای رژیم پامدهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زیادی برای کشور ما در پی داشته و دارد. مبارزه برای عقب‌نشاندن جمهوری اسلامی از سیاست خارجی تنش‌زا و توسعه‌طلبانه، مبارزه علیه یکی از پایه‌های اصلی دوام و موجودیت آن است.

**پانزده-** اکنون ثقل اصلی زورآزمایی آمریکا و جمهوری اسلامی در عراق متمرکز شده است. ادامه‌ی این روند کماکان خطر رویارویی مستقیم بین این دو در خاک عراق را در پی دارد. تروریسم دولتی و جنگ نیابتی دو دولت علیه همدیگر در خاک عراق، نقض استقلال و حق حاکمیت این کشور است و ما آن را محکوم می‌کنیم. ما فعال شدن سازمان ملل در مناقشه بین دو دولت را در شرائطی که بر عراق تحمیل شده است، لازم و مثبت می‌دانیم.

**شانزده-** سیاست ما نه به جنگ و تحریم، و نه به جمهوری اسلامی است. ما علیه جنگ هستیم و کنار هیچ طرف از جنگ طلبان نخواهیم ایستاد. حزب ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات با اتکاء به جنبش‌های مدنی و مبارزات دموکراتیک مردم ایران مبارزه می‌کند و توسل به جنگ و آلترناتیوسازی با اتکا به نیروی خارجی را محکوم می‌داند. ما معتقدیم که راه گذار از این رژیم و زیر ضرب بردن استبداد حاکم، تکیه بر جنبش‌های مدنی و سیاسی مردم ایران است.

**شورای مرکزی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)**

۱ بهمن ۱۳۹۸ - ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰

اعلامیه